



سوره اقصان
آیه ۲۵

روح بت پرستی

۲۵ - وَلَمَّا سَأَلْتَهُم مِّنْ خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لِيَقُوْا -

لن الله قل الحمد لله بل اكثرهم لا يعلمون .

اگر از آنها (بت پرستان) پرسید که آسمان و زمین را کی آفریده ؟ میگویند خدا ، بگو ستایش مخصوص خدا است ولی بیشتر آنها نمیدانند .

۳۶ - لله ما فی السموات والارض ان الله هو الغنی

الحمید .

برای خدای آنچه در آسمانها و زمین است ، براستی خدا بی نیاز و ستوده است .

اعتقاد خدای جهان سازنده نظام هستی اسبق ترین و سابقه دارترین فکریست که در میان بشر بوجود آمده و از سر چشمه این فکریست ؛ و چگونه بوجود آمده است ؟ - مادی و الهی شاخه علوم انسانی و مطالعات
در این باره اختلاف دارند

نظریه مادیها در دیدایش بت پرستی

مادیها میگویند : انسان در اعصار گذشته با بدن ناتوان در برابر اجزای از بلاها و حوادث خطرناک ؛ قرار میگرفت ؛ بادهای شدید ؛ طوفانهای بیابانکن ، سیلهای همگین ، زمین لرزه های مخرب ، لهب و شعله های آتش فشانها ، روشنایی خرم کفله بر قبا ، نمره مهیب رعدها ؛ قطعیها و خشکسالیهای جانکاو . . . که همگی دهان باز کرده که این موجود ناتوان را به بلعد . این عوامل - او را بر آن داشت ؛ بیک موجود نیرومندتر از خود پناهنده شود از این نظر بموجودات آسمانی و اجرام کیهانی که برتری محسوس داشتند ، و از تیررس این

حوادث که وجود او را تهدید می کردند ، دورتر و بلندتر بودند ، پناه میبرد ، گاهی روح بلند پرواز او باین حد قانع نمیشد ، و بموجودات دور از حس و فکر از قبیل «ارباب انواع» فرشته و جن و پری متوجه شده ، از آنجا که آنها از چشم انداز او دور و پنهان بودند ، صورتهای خیالی آنها را با تراشیدن بتها و سنگها مجسم می ساخت ، و آنها را بجای خدای و با خدا یان واقعی می پرستید .

نظریه خدا پرستان

این گذر از مادیات ، و آنان در این نظر حق و باطل را بهم آمیخته اند ، در اینکه بشر پاره ای از این کارها را انجام میداد شکی نیست ولی علت توجه او به یک معبد ، از جهت ترس و نیازمندی او نبود است بلکه رای این جهت متوجه یک معبد مافوق میشد که در باطن خود جذبه و کشش باطنی نسبت به جهان دیگر احساس میکرد و بی بارت دیگر تواناوندای فطرت بود که او را در تمام احوال و خسرماً در شانده متوجه بک قدرت مافوق جهان طبیعت میکرد ، گو با مسئله آفریدگار جهان با وجود او سرشته شده است .

گواه روشن بر اینکه اعتقاد زائیده ترس و خوف و مولود حس نیازمندیهای مادی او نبوده است اینست که اگر بشر در بهشت برین بوجود میامد که تمام وسائل اشتراحت و رفاه او موجود میبود ، و اثری از گرسنگی و تشنگی ، و عوامل مهالک در آنجا بچشم نمیشورد ، باز حس کنجکاو و می آردام بنگرفت . او روی یک اصل مسلمی (که هر دستگاه منظم و سازمان مرتبی سازنده ، و هر اثری مؤثری لازم دارد) هر دم از خود سؤال می کرد پدید آورنده این نظام کیست ؟ با اینکه کوچکترین نیازی بخدا نداشت ولی مع الوصف حس کنجکاو وی او را بسوی آفریدگار آن نظام رهبری مینمود .

بشر وجودی نیست به ظاهر هستی بنگرد ، و از علت و پدید آورنده آن تحقیق ننماید ، و در کنار سفر مسافت بنشیند و تمام اسباب رفاه برای او فراهم گردد ، و از تحقیق و تحریر درباره قدرتی که این سفره را گسترده است . خودداری نماید

روی این حس کنجکاو است که هر لحظه بر حجم معلومات او افزوده میشود ، روی این اصل بود ؛ که کمتر کسی (بیش از نهضت مادیگری در غرب) پیدامیشد که به آفریدگار جهان نیکار ورزد .

بنابر این عقیده بشر به آفریدگار جهان معلول فطرت و یا حس کنجکاو او است از علل حوادث و موجودات جهان ، و آیه های مورد بحث علاوه بر اینکه از یک مطلب علمی دقیق (بتها) به عقیده بت پرستان مبنودند نه خالق) پرده برداشته که شرح آنرا در زیر میخوانید ، حقیقت دیگری (وجود صانع یک امر مسلم میان بت پرستان بود) را نیز بیان کرده است .

بنها معبود بودند نه خالق

پیدایش بت پرستی مواد خضوع فطریست که انسان در برابر نیروی مافوق در خود احساس می‌کند، ولی آنان بجای اینکه در برابر خداوند خاضع گردند، نسبت به آفریده‌هایی مانند خود خضوع می‌ورزیدند.

توجه آنان به بتان بیشتر برای این بود که خداوند را دور از حس می‌دیدند، از این نظر با خود فکر می‌کردند که توجه به موجود دور از حس و عبادت يك مبدء مافوق دید، بی‌ثمر است؛ پس ناچار باید محسوس را عبادت کرد؛ که توجه و پرستش آن پرستش خداوند حساب شود، و بالا اقل شفیع و واسطه میان آنها و آفریدگار جهان گردد.

شعبه بت پرستی در جهان بشریت بیرون از حدود شمار است ولی فرقه‌های مهم آنان؛ مایه‌ها، برهمنیها و بوداییان دین پرستان شیخیه پرده پرستان است، و شام این فرقه بتان خود را معبود تلقی ستایش و شفیع و مقرب میدانستند نه خالق زمین و آسمان.

بت پرستی در شبه جزیره

عرب‌های پیشین مانند قوم عاد و ثمود، بطور مسلم بت پرست بودند و بوسیله بلاهای مخصوص هلاک شدند ولی از زمانیکه ابراهیم با حار و اسماعیل در مکه فرود آمدند و سکونت آنها ذکر دند، دین توحید و یکتا پرستی در آن نقطه منتشر بود، تا آنکه یکی از فرزندان اسماعیل بنام **و عمرو بن لحنی** حکومت مکه را در دست گرفت، و پس از مدتی سخت بیمار شد و برای معالجه به سرزمین شام رفت؛ متعاده کرد که آنان اشکال اجرام کیهانی؛ و تمثالیهای شخصتهای بشری را می‌پرستند، و معتقدند که برای سلامت این اشکال و تمثالیها، خود اجرام و روح آن شخصتهای آنها را یاری می‌نمایند. و همان معالجه را پسندید، و از آنها تقاضای بت کرد، و آنان بت ههبل و وشنائی بنام **هاساف** و **هائله** را که بسورت دو جوان زیبا و با شکل زن و شوهر بود، بوی دادند و او آنها را در خانه خدا (کعبه) جای داد، و مردم را به عبادت آنها دعوت کرد، و این دعوت که با روح حیوانی بشر توأم و با روح خضوع در برابر نیروی مافوق، کاملاً موفق می‌بود، رواج کامل پیدا کرد.

روزی که پیامبر مبعوث شد بتی به آنان این بود، که بتان معبودند نه خالق، شفیع و مقربند نه آفریدگار جهان، و گفتند قرآن در رد آنان چنین می‌گوید که: این بتان مانند شما بندگاند و این بتها نه شمارا می‌توانند یاری کنند و نه خود را (۱) در آیه ۲۶ سوره انسان (آیه دوم مقاله) در پاسخ آنها چنین می‌گوید: آسانها و زمین از آن خداست او شایسته پرستش است، یعنی این اجرام آسمانی و زمینی همان شما مخلوقند و پر شما برتری ندارند، و پرستش آنها باعث تقرب نیست.

این حقیقت (بنها معبود بودند نه خالق) در قرآن در سوره عنکبوت و زمر آیة‌های

۱۶، ۸۲، ۳۸ نیز وارد گردیده است.

(۱) اعراف آیه ۱۹۳ و ۱۹۸.